

تحول حقوق و آزادی‌های شهروندی در مصر مبتنی بر قانون اساسی ۲۰۱۲ میلادی

مسلم آقای طوق^۱، سیدمحمد مهدی غمامی^{۲*}

۱- استادیار دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، تهران، ایران

۲- دانشجوی دکتری حقوق عمومی دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات تهران، تهران، ایران

پذیرش: ۱۳۹۱/۸/۱۵

دریافت: ۱۳۹۱/۵/۳۱

چکیده

با انقلاب ۲۵ ژانویه ۲۰۱۱ در مصر و سرنگونی رژیم دیکتاتوری نظامیان، ملت مصر توانستند واجد شخصیت نسبی شهروندی شوند. شخصیتی که تا پیش از این با اعلام وضعیت اضطراری و مجازات‌های سخت و اقدامات پلیسی به کلی تضييع شده بود. این شخصیت و هویت با قانون اساسی ۲۰۱۲ احیاء و برای ملت مصر به رسمیت شناخته شد چنانکه از مبانی انقلاب مردم مصر نیز باید به تلاش برای اعتراض به نقض سیستماتیک حقوق و آزادی‌های شهروندی اشاره کرد. در این مقاله نگارنده با بررسی تطور حقوق و آزادی‌های شهروندی در مصر منتهی به انقلاب ۲۰۱۱، به مطالعه انتقادی تحولات بنیادین تقنینی این حقوق در قانون اساسی جدید مصر در پرتو واکنش عمومی مردم پرداخته است.

کلیدواژه‌ها: حق، آزادی، اسلام، دیکتاتوری، نظم عمومی، وضعیت اضطراری.

مقدمه

کشور مصر یکی از کشورهای بزرگ اسلامی است که از نظر تاریخی با کشورهای عربی منطقه، تفاوت بنیادی در اندیشه و نظام سیاسی دارد. چرا که اولین قانون اساسی یک کشور اسلامی را می‌توان به کشور مصر در سال ۱۸۸۲ (قانون اساسی توفیق الخدیوی) و اولین پارلمان را در سال ۱۸۶۶ به همین کشور نسبت داد. با این وجود و با رشد افکار پان عربیسم و استعمار انگلستان (۱۹۱۴-۱۹۳۶)^(۱) تاریخ سیاسی مصر و سایر کشورهای عربی را می‌توان بسیار نزدیک به هم تحلیل کرد: نظام سیاسی دیکتاتور و وابسته. از مهمترین ویژگی‌های این نظام‌های سیاسی نقض جدی و سیستماتیک حقوق و آزادی‌های شهروندی است. به نحوی که اساساً به قطع و یقین می‌توان عنوان کرد در این کشورها مفهوم «شهروندی» وجود ندارد. شهروندی در واقع گامی است بعد از کسب تابعیت و مبنایی است برای حقوق سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی به نحوی که فرد علاوه بر برخورداری از آنها در عرصه نظام مردم‌سالار می‌تواند سرنوشت خود و جامعه خود را در شئون مختلف، مستقل و آزاد تعیین کند. بر این اساس در غالب کشورهای عربی، مردم (عنصر جمعیت) صرفاً تبعه محسوب می‌شوند گرچه از همین مقدار واقعی از حق بنیادین و غیرقابل سلب تابعیت نیز برخوردار نیستند و ممکن است رژیم به بهانه‌های مختلف اقدام به نقض و سلب آن کند.

در این مقاله قصد داریم تا مفهوم حقوق شهروندی را در نظام حقوقی قبل و بعد از انقلاب ۲۰۱۱ مصر بررسی کنیم. اهمیت این تطبیق آنجا پدیدار می‌گردد که از موجبات اصلی این انقلاب، فقدان حقوق و آزادی‌های شهروندی محسوب می‌شود. کاستی این حقوق به نحو نسبی در قانون اساسی ۲۰۱۲ مصر جبران شد. به علاوه آنکه مصر به عنوان یک کشور پیشرو عربی، برای سایر کشورهای عربی خصوصاً کشورهای در جریان بیداری اسلامی (اردن، تونس، یمن، بحرین، لیبی و عربستان) یک کشور الگو و معیار محسوب می‌شود و چون آنها نیز با رژیم‌های دیکتاتور و سرکوب‌گر مواجه هستند می‌توانند در جریان اصلاحات و انقلاب از دستاوردهای اساسی مصر بهره بگیرند. این الگو برداری در کشورهایی که گروه «اخوان المسلمین» در آنها فعال است بیشتر رقم خواهد خورد. بطور خاص انقلابات در مصر چه برای رهایی از دولت استعمارگر انگلیس و چه انقلاب ۲۰۱۱ مصر تحت تأثیر ایده‌ها و فعالیت‌های اخوان المسلمین رخ داد. اخوان المسلمین

یک جنبش فراملی اسلام‌گراست که در بسیاری از کشورهای عربی بزرگ‌ترین جریان به شمار می‌رود. اخوان‌المسلمین قدیمی‌ترین و بزرگ‌ترین گروه سیاسی اسلامی است که در سال ۱۹۲۸ میلادی در شهر اسماعیلیه مصر به رهبری حسن البنا بنیان نهاده شد و سپس فعالیت خود را به دیگر کشورهای عربی و اسلامی گسترش داد. این نهضت به تأثیر از اندیشه‌های سید جمال‌الدین اسدآبادی ایرانی و در پاسخ به انحطاط داخلی مسلمانان و سلطه بیگانگان بر کشورهای اسلامی، به ویژه بر کشور مصر پدید آمد. اخوان‌المسلمین جهت رسیدن به اهدافش (چون زنده کردن شعائر اسلامی و برافکندن سلطهٔ اجانب و برقراری حکومت اسلامی) در جبهه‌های مختلف فرهنگی، نظامی و سیاسی به مبارزه پرداخت. (مصطفی، ۱۹۷۱: ۶۴-۷۰)

۱- شکل‌گیری و ساخت دولت در مصر

از مهمترین و مبنایی‌ترین اصولی که شهروندی را در یک کشور ایجاد و از آن صیانت می‌کند نحوه شکل‌گیری قدرت عالی و مشروعیت در آن است. در واقع لازم است نگاهی به فرآیند به قدرت رسیدن دولت‌های بعد از استقلال مصر داشته باشیم. این مطالعه تاریخی، مبنای و علل نقض حقوق شهروندی را در مصر توضیح خواهد داد.

الف) ۱۹۲۳ تا ۱۹۵۲

بعد از استقلال مصر از استعمار انگلستان، در سال ۱۹۲۳ قانون اساسی مصر نگارش، و مطابق با آن پارلمان مصر در ۱۵ مارس ۱۹۲۴ تشکیل شد. با این وجود با حاکمیت نظام پادشاهی ملک فاروق که با نفوذ انگلستان به قدرت رسید تمامی امکانات مصر همچنان در اختیار انگلستان بود. وی با اعمال نظام استبدادی اقدام به تأمین و تحریس منافع انگلستان می‌نمود. گرچه ظاهراً مصر مستقل شده بود.^(۲) اقدامات فاروق بستر شکل‌گیری گروه‌های اعتراضی سیاسی از جمله اخوان‌المسلمین و افسران آزاد را فراهم آورد.

ب) ۱۹۵۲ تا ۲۰۱۲

با ایجاد موج کودتاهای افسران جوان در کشورهای عربی (عراق، یمن، لیبی و...) در مصر هم گروهی تحت عنوان «حرکت افسران آزاد»^(۳) با هدایت جمال عبدالناصر به قدرت رسید. افسران آزاد در گام اول ملک فاروق (۲۳ ژوئیه ۱۹۵۲) و در گام دوم (۲۶ ژانویه ۱۹۵۳) فرزندش فؤاد دوم را بر کنار کردند و نظام سلطنتی را به جمهوری تغییر دادند. شورای افسران

آزاد پس از پیروزی، با حفظ ترکیب اولیه خود، به شورای فرماندهی انقلاب تغییر نام داد و ژنرال نجیب به ریاست شورا برگزیده شد؛ اما، در عمل جمال عبدالناصر قدرت را در اختیار داشت. در این فرآیند ژنرال نجیب رئیس‌جمهور و جمال عبدالناصر قائم‌مقام او شد. دهم دسامبر ۱۹۵۲ اعلامیه قانون اساسی به اسم ملت مصر^(۴) صادر شد که قانون اساسی ۱۹۲۳ را ساقط کرد. بر این اساس «این امری الزام‌آور شده بود که به دلیل مشکلات و کاستی‌های بسیار قانون اساسی باید اعلامیه مذکور صادر می‌شد.»^(۵) در ژانویه ۱۹۵۴، ناصر بدون مشورت با نجیب، فعالیت گروه اخوان المسلمین را غیرقانونی اعلام نمود و مراکز آنها را تعطیل و اعضای^(۶) آن را زندانی کرد و آنها را عوامل استعمار و ارتجاع خواند. پس از این جمال اقدام به ترویج سوسیالیسم، جدایی دین از سیاست و پان عربیسم نمود. این رویکرد را بعد از ناصر، انور سادات و مبارک با جدیت دنبال می‌کردند.^(۷)

در غالب نظام‌هایی که از پادشاهی به ریاست جمهوری تبدیل می‌شوند متأسفانه شاهد یک تغییر پوپولیستی سطحی هستیم. تغییری که صرفاً در نام اتفاق افتاده و اختیارات تام پادشاه و دایره بسته و زمان طولانی و بدون قید در لوای «ریاست جمهور» تداوم پیدا می‌کند. بر این اساس نقض واقعی حق تعیین سرنوشت مردم در شئون سیاسی جامعه امری بدیهی خواهد بود. چرا که یک قدرت مطلق‌العنان با استفاده از ظاهری دموکراتیک و بدون احترام به اصل «حاکمیت قانون» در سطح ماهوی^(۸) همانند یک شاه خودسر اقدام به تمشیت امور کشور خواهد کرد. بدون اینکه کمترین مسئولیتی را بپذیرد و یا «پاسخگویی» در مقابل ملت برایش مفهومی داشته باشد. به عبارت دیگر قدرت چون برخاسته از مردم نیست و چون با انتخاب آنها حاکم نشده است از خواسته‌های عمومی تبعیت نکرده و برای آن ارزشی قائل نمی‌شود. بر همین اساس از زمان اعلام جمهوری در مصر تا اصلاحات ۲۰۰۵ در قانون اساسی رییس جمهور توسط مردم انتخاب نمی‌شد. در اصلاحات سال ۲۰۰۵ با بازنگری ماده (۷۶) اولین انتخابات ریاست جمهوری در مصر صورت گرفت.

ج) از ۲۰۱۲ به بعد

یکی از مهمترین تغییرات ماهوی در ساخت دولت بر اساس قانون اساسی ۲۰۱۲ در مصر این است که منصب «ریاست جمهوری» تحت قاعده و انتخاب عمومی قرار گرفت و متعهد به حفظ مصالح عمومی^(۹) و نه شخصی خود شد. به این معنا که رییس جمهور منتخب رأی مستقیم مردم^(۱۰) خواهد بود و در یک انتخابات دموکراتیک برای مدت

محدودی دارای اختیارات قابل کنترلی خواهد شد. ماده (۱۳۳) قانون اساسی ۲۰۱۲ اشعار می‌دارد: «مدت یک دوره ریاست جمهوری در مصر ۴ سال میلادی است که از زمان اعلام نتیجه انتخابات آغاز می‌شود و این مدت می‌تواند برای یک بار دیگر تمدید شود.» این تغییر در واقع نقش مردم مصر را در حد یک شهروند دارای حقوق سیاسی بهبود بخشید. شهروندی که می‌تواند از صدر تا ذیل قدرت را با انتخاب برگزیند. و مهم‌تر آنکه برای مقام اول کشور نیز بی‌حساب چک سفید امضا نمی‌کشد تا جریان دموکراتیک را با استفاده از «اقتدارات قاهره غیرقابل نظارت» از مسیر واقعی خارج کند. بخش اول مقدمه قانون اساسی مصر همین مسئله را تصریح کرده است: «حاکمیت حق مردم است و مردم تنها منبع صاحب حق در تشکیل قوای حاکم بر کشور هستند و این قوا مشروعیت خود را از مردم مصر می‌گیرند و در برابر خواست و اراده آن سر فرود می‌آورند و حدود اختیارات و مسئولیت‌ها و وظایف قانونی خود را دریافت و از اموال عمومی و درآمدهای کشور محافظت کرده و زمینه‌های عادلانه توزیع آن را فراهم می‌کند و بر این اصل اساسی تأکید می‌کند که وظایف و مناصب عمومی نه حق و حقوق و امتیاز برای صاحبان آنها که مسئولیتی است بر عهده کسانی که مقرر است به مردم مصر خدمت کنند.» این رویکرد در واقع تأکید بر همان ایده صلاحیت و احترام به اصل «حاکمیت قانون» در تمامی سطوح بویژه سطح ماهوی است. ماده (۷۴) قانون اساسی مصر به عنوان اولین ماده از فصل چهارم تحت عنوان «ضمانت‌های حفظ حقوق و آزادی‌ها و حمایت از آنها» مقرر می‌کند: «حاکمیت قانون پایه و اساس حاکمیت در دولت است و استقلال دستگاه قضا و قضات تضمین شده است.»

یک نکته بسیار مهم نیز در اینجا وجود دارد و آن عبارت است از شکل‌گیری فرآیند مردم‌سالاری در جریان برداشت‌های اسلامی از آزادی و حقوق. این مسئله اخیر با استقرار نهاد ماده (۴) قانون اساسی مصر در ادامه اصل منبع بودن شریعت - مندرج در ماده (۲) قانون اساسی^(۱۱) - مفهوم بیشتری پیدا می‌کند. چرا که رییس جمهور در این معنا باید مروج و تضمین‌گر دین و نهادهای دینی باشد. ماده (۴) برداشت مرجع را در اختیار یک نهاد عالی و مستقل دینی قرار می‌دهد و مقرر می‌دارد: «الازهر^(۱۲) شریف هیئت و نهادی اسلامی و مستقل دانشگاهی است که در تمام امور و شئون دخالت داشته و مسئولیت نشر دعوت اسلامی و علوم دینی و زبان عربی در مصر و سراسر جهان را برعهده دارد و نظر

هیأت علمای بزرگ الازهر شریف در امور مرتبط با شریعت اسلامی خواسته خواهد شد...»؛ عبارت اخیر به نحو مطلق ناظر به تمامی نهادهای حکومتی است و مفهوم آن در ارتباط با حقوق و آزادی‌های شهروندی وقتی بیشتر مشخص می‌شود که مفاد ماده (۸۱) قانون اساسی از نفی و محدودیت عوامل ناقض حقوق و آزادی‌های شهروندی صحبت می‌کند: «حقوق و آزادی داده شده به شهروندان تعطیل‌پذیر یا قابل کاستن نیست، به شرط آنکه این آزادی‌ها با اصول و مبادی مذکور درباره آزادی‌ها در قانون اساسی در تعارض نباشد.» البته در قانون اساسی ۱۹۷۱ نیز اقتضای یک دولت دینی وجود داشت و دولت مصر هم در مورد دین اسلام دارای مسئولیت بود. در این مورد در اصل (۱۲) قانون اساسی مزبور آمده است: «حکومت در حفظ و حراست و حمایت از مبانی اخلاقی، ترویج سنن اصیل مصری و پایبندی به معیارهای والای آموزش دینی، ارزش‌های اخلاقی و ملی، میراث تاریخی مردم مصر، حقایق علمی، رفتارها و کنش‌های عمومی و اجتماعی در محدوده قانون متعهد است. دولت در پایبندی به این اصول و ترویج آنها ملزم می‌باشد.» (اسماعیلی، ۱۳۹۰: ۳۸-۳۹) با این وجود در قانون اساسی سال ۱۹۷۱ سازوکار دریافت برداشت‌های دینی و الزام به آنها مشخص نبود گرچه هم اکنون نیز کارکرد هیأت الازهر شریف صرفاً ارایه پیشنهادات مشورتی است که البته مفاد ماده (۴) قانون اساسی ۲۰۱۲، مبین الزام در مشورت می‌باشد ولی تضمین عمل خلاف این مشورت مشخص نشده است. آیا «دادگاه عالی قانون اساسی»^(۱۳) و «دستگاه‌های قضایی دولت»^(۱۴) بر اجرای این برداشت‌ها نظارت می‌کنند؟ این ابهام بطور جدی وجود دارد.

۲- وضعیت اضطراری و الغاء حقوق

وضعیت اضطراری یا استثنایی،^(۱۵) یک بیانیه دولتی است که برخی از عملکردهای عادی از قوه مجریه، مقننه و قضایی و نهادهای غیر دولتی را به منظور اجرای برنامه آمادگی اضطراری به حالت تعلیق در می‌آورد. در وضعیت اضطراری برخی از حقوق و آزادی‌ها - حتی اگر در قانون اساسی تضمین شده است - معلق و محدود می‌گردند. بیانیه وضعیت اضطراری معمولاً در زمان بروز بلایای طبیعی و یا بحران‌ها و ناآرامی‌های مدنی، و یا پس از یک اعلان جنگ یا وضعیت درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی یا داخلی و یا توسط دولت‌های کودتا صورت می‌گیرد. وضعیت اضطراری^(۱۶) اولین بار توسط آلمانی‌ها

و شخص کارل اشمیت^(۱۷) برای بهره‌گیری قدرت در وضعیت استثنایی به کار رفت. این وضعیت به نحو اتم قصد دارد محوری‌ترین بخش نظم عمومی یعنی «امنیت» و «آرامش» را مستقر و حقوق فردی و شهروندی را تا رسیدن به هدف مذکور کاهش یا تعطیل نماید. با این وجود از این وضعیت سوء استفاده‌های بسیاری توسط دولت‌ها چه دموکراتیک و چه دیکتاتوری شده و می‌شود. چنانکه کارل اشمیت نیز برای دولت نازی چنین نظریه‌ای را ارائه داد و ۱۲ سال حکومت رایش سوم^(۱۸) بدین ترتیب (حذف فیزیکی مخالفان، معترضان و بخش‌هایی از جامعه) به بهانه جلوگیری از جنگ داخلی^(۱۹) و ناامنی به تمشیت امور آلمان بزرگ پرداخت. (Agamben, 2005:40) چنین مدلی اخیراً و بطور گسترده توسط جرج دیلیو بوش نه تنها در ایالات متحده^(۲۰) بلکه در سراسر جهان از جمله گوانتانامو و بگرام افغانستان موجب نقض حقوق افراد شد. تداوم چنین وضعیتی از نظر تاریخی بدل شدن دولت‌های دموکراتیک به توتالیترا را نشان می‌دهد. (Agamben, 2005:16)

ایجاد و مکانیزم وضعیت اضطراری و اثرات آن بر حقوق بشر و آزادی و نهادهای دولتی، در برخی از کشورها توسط قانون اساسی و قانونی عادی - که این دولت را مقید و محدود به زمان کوتاه می‌کند - تنظیم می‌شود. در این مدت برخی حقوق و آزادی‌ها همانند حق فعالیت‌های سیاسی، انتشار اطلاعات عمومی، حق اجتماع (تشکیلات و تظاهرات) و تردد ممکن است مقید شوند. اما حقوق غیر قابل انحراف^(۲۱) به هیچ نحو نباید مورد حکم تعلیق و تحدید قرار گیرد. به منظور حفظ مردم سالاری و جلوگیری از سوء استفاده دولت از این وضعیت، در بسیاری از کشورها تغییر قانون وضعیت اضطراری یا قانون اساسی مطلقاً ممنوع است.^(۲۲) (Prémont, 1996:36) به اعمال وضعیت اضطراری که شامل مجموعه‌ای از امور حقوقی می‌گردد در حقوق فرانسه «قانونی بودن بحران»^(۲۳) گفته می‌شود. چرا که در این وضعیت برای جلوگیری از دیکتاتوری و تبدیل شدن به توتالیتاریسم باید قوه مجریه در چارچوب قانون و صلاحیتهای مضیق قانونی عمل کند. (Papadatos, 1964:130-131)

مسئله اصلی برخی کشورها - مخصوصاً عربی - درگیری با وضعیت اضطراری خودسرانه و طولی‌المدت است. برای مثال تونس از ۱۹۸۷ که اصلاحات شکلی بن علی با بدون زمان کردن ریاست جمهوری و بستن مجلس نسبت به احزاب مخالف آغاز شد و تا جنبش آزادی‌خواه مردم در ۲۰۱۱ که به سرنگونی بن علی انجامید ادامه داشت.^(۲۴) در الجزایر از کودتای ۱۹۹۲ تا زمان اوج گیری جنبش‌های آزادی بخش منطقه موسوم به

بیداری اسلامی در ۲۰۱۱، به مدت ۱۹ سال بنا بر فرمان شماره ۴۴-۹۲ مورخ ۹ فوریه ۱۹۹۲ (در ۱۲ ماده) و فرمان شماره ۳۲۰-۹۲ مورخ ۱۱ اوت ۱۹۹۲ (در ۲ ماده) با عنوان «استقرار وضعیت اضطراری»^(۲۵) حقوق سیاسی و اجتماعی معلق و تحت رژیم دولت اضطراری اداره می‌شد.^(۲۶) بر اساس ماده (۲) فرمان ۹ فوریه، «دولت اضطراری به منظور برقراری نظم عمومی و تضمین بهتر امنیت اشخاص و اموال علی‌الخصوص عملکرد خوب خدمات عمومی بر قرار می‌گردد.» بر اساس این فرمان وزیر کشور و دادگاه‌های نظامی مسئول اجرای وضعیت اضطراری شدند.^(۲۷) مطابق ماده (۱) فرمان تکمیلی ۱۱ اوت ۱۹۹۲، هر عمل یا اقدام تمامی شرکت‌ها، ارگان‌ها، نهادها و موسسات با هر ماهیت و هدفی که نظم عمومی، امنیت عمومی و عملکرد عادی نهادها و منافع عالی کشور را به خطر بیندازد معلق و توقیف می‌گردد.^(۲۸) همچنین در سوریه از سال ۱۹۶۳ تا وقوع اعتراضات مردمی (۲۱ آوریل ۲۰۱۱) عملاً تحت رژیم اضطراری اداره می‌شد و بخش‌های عمده‌ای از قانون اساسی معلق بود.^(۲۹) گرچه مسئله سوریه از لحاظ تداوم اعتراضات با سایر کشورهای اسلامی تفاوت بنیادین دارد. به این لحاظ که سوریه چون در مقابل رژیم صهیونیستی^(۳۰) یک محور مقاومت تشکیل داده است مورد رفتارهای مداخله جویانه کشورهای عربی و غربی با راهبری ایالات متحده آمریکا شد. در این فرآیند آمریکا، قطر و ترکیه برای نابودی بشار اسد از القاعده و سایر گروه‌های تروریستی عربی - اروپایی استفاده کردند و رسماً با تشکیل ائتلاف دوستان ترکیه،^(۳۱) معارضان را به سلاح‌های پیشرفته سبک و سنگین تجهیز نمودند.^(۳۲)

و اما مصر نسبت به کشورهای پیش گفته دارای سابقه بیشتری در اعمال وضعیت اضطراری خودسرانه و مصر از سال ۱۹۶۷ تا وقایع منجر به سرنگونی حسنی مبارک (۳۱ می ۲۰۱۲)، به غیر از ۱۸ ماه در سالهای ۱۹۸۰ و ۱۹۸۱ تحت قانون اضطراری^(۳۳) اداره می‌شد.^(۳۴) شاید مهمترین بحث در بررسی حقوق و آزادی‌ها در کشور مصر که داعیه‌دار رهبری جهان عرب است مربوط به استقرار وضعیت اضطراری می‌گردد. بر اساس این وضعیت که سالها در مصر حاکم بود کلیه حقوق و آزادی‌های شهروندی در مصر معلق گشت و همین امر باعث شد که بخش عمده‌ای از مفاد قانون اساسی ۲۰۱۲ مصر واکنشی نسبی به این وضعیت چهل و پنج ساله باشد.

۳- وضعیت اضطراری و تزامم مبنایی با حقوق و آزادی‌ها

شکی نیست حاکمیت وضعیت اضطراری در هر شرایط و نظام سیاسی به تعطیلی و تحدید حقوق و آزادی‌های شهروندی می‌انجامد حتی در یک نظام مردم‌سالار تزامم مذکور امری قطعی است. تزاممی که در واقع میان «نظم عمومی» و «حقوق و آزادی شهروندی» به وجود می‌آید. به همین دلیل باید یک نظام تعادل لازم‌الاتباع حاکم شود تا به بهانه‌ی یکی، دیگری مختل و متوقف نگردد و به همین جهت با هرج و مرج یا متقابلاً دیکتاتوری مواجه گردیم. برای مثال اصل نهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران^(۳۵) این تعادل را با تصریح، چنین تبیین می‌کند که صلاحیت مقامات حکومتی خارج از وضعیت تعادل ملغی می‌گردد گرچه شهروندان را نیز در حقوق و آزادی‌هایشان مقید به نظم عمومی می‌دارد. با این وجود و متأسفانه قانون اساسی مصر از زمان جمال عبدالناصر هر بار که تدوین و اصلاح شد با نادیده گرفتن «لزوم تعادل» وضعیتی امنیتی تر را حاکم کرد. بر اساس قانون ۱۶۲ سال ۱۹۵۸ وضعیت اضطراری در مصر حاکم و جز ۱۸ ماه (۱۹۸۰-۱۹۸۱) این وضعیت تا انقلاب حاکم بود. بر اساس این قانون: «دولت اختیار بازداشت نامحدود و بدون توضیح افراد را بدون برگزاری دادرسی پیدا می‌کرد، حق سلب تابعیت و الغای برخی حقوق شهروندی افراد، تملک دارایی‌ها، اعلام ممنوعیت و محدودیت رسانه‌ها و فعالیت گروه‌های سیاسی نیز از جمله حقوق دولت است.» (Human Rights Watch, 1993:24-25) در این وضعیت قوه قضاییه باید تابع دولت باشد و عملاً دادرسی منصفانه نیز فاقد معنا خواهد بود. و پلیس و نیروهای امنیتی برای کشف واقعیت می‌توانند از هر ابزاری بهره ببرند. بر اساس این قانون ۱۷ هزار نفر به زندان افتادند و فعالیت‌های سیاسی و رسانه‌ای کاملاً کنترل شده بود و الغاء این قانون از اهداف عمده انقلابیون محسوب می‌شود.^(۳۶)

برای استقرار و حفظ این وضعیت، رژیم دیکتاتوری، بر اساس ماده (۱۸۴) قانون اساسی ۱۹۷۱ نظام پلیسی تحت ریاست رییس جمهور ایجاد کرد (رابح لطفی، ۱۳۹۱: ۴۵) که با امنیتی کردن فضای کشور، هرگونه اعتراض و اقدامی را علیه نظام دیکتاتوری با شدیدترین ابزارهای محو و شکنجه و تبعید پاسخ می‌داد. به نحوی که بیش از ۳۰ هزار زندانی سیاسی در مصر تحت بازداشت پلیس و دستگاه امنیتی قرار گرفتند.^(۳۷) با اصلاحات سال ۲۰۰۷ بطور کلی مبارک تمام وزنه را به سمت امنیت چرخاند و با الحاق ماده (۱۷۹) به قانون اساسی و در نظر گرفتن قانون مبارزه با تروریسم،^(۳۸) حقوق باقی

مانده شهروندان مصری را تحت سرکوب و تعطیلی جدی قرار داد. (فرحات، ۲۰۱۰)

ماده (۸۱) قانون اساسی ۲۰۱۲ مصر برای تضمین تمامیت حقوق و آزادی‌های شهروندی تصریح می‌کند: «حقوق و آزادی داده شده به شهروندان تعطیل پذیر یا قابل کاستن نیست، به شرط آنکه این آزادی‌ها با اصول و مبادی مذکور درباره آزادی‌ها در قانون اساسی در تعارض نباشد.» شرط اخیر در واقع به مسائل اخلاقی و دینی اشاره می‌کند. به عبارت دیگر همانطور که به ماده (۴) این قانون اشاره کردیم و همانطور که در مواد (۱۰)^(۳۹) و (۱۱)^(۴۰) دولت متعهد به اخلاق شده است حقوق و آزادی‌ها در نص شرعی مورد نظر است. در نتیجه ادعاهایی که از حقوق و آزادی‌های لجام‌گسیخته همانند همجنس‌بازی حمایت می‌کند در نظام حقوقی مصر فقد وجاهت قانونی است. به هر حال در نظام دینی و اخلاق‌گرای مصر ۲۰۱۲، تضمین تمامیت حقوق با اعلام جرم کیفری کامل شده است، ماده (۸۰) اشعار می‌دارد: «تجاوز به حقوق تضمین شده در قانون اساسی جرم تلقی شده و می‌توان علیه ناقضان آن دادخواست جنایی داد.»

بر این اساس اختیار برقراری وضعیت اضطراری با مقیدات و محدودیت‌های ویژه همچنان از اختیارات رییس جمهور باقی ماند ولی این اختیارات تحت نظارت و چارچوب قابل نظارت و محدود درآمد. بر اساس ماده (۱۴۸) قانون اساسی ۲۰۱۲ مصر «رییس جمهوری می‌تواند، بنابر دلایل مشخص شده در قانون در کشور وضعیت اضطراری اعلام کند و این درخواست باید به مجلس نمایندگان ارائه شده و مجلس باید ظرف ۷ روز نظر خود در این باره را اعلام کند. تمدید وضعیت اضطراری منوط به برگزاری همه‌پرسی عمومی است. در صورت عدم دائر بودن مجلس باید فوراً جلسه فوق‌العاده در این زمینه تشکیل دهد و در صورت انحلال مجلس نمایندگان این امر به مجلس شورا ارائه می‌شود. موافقت با اعلام حالت فوق‌العاده باید به تصویب حداکثر نمایندگان مجلس برسد و اعلام وضعیت اضطراری نباید بیش از ۶ ماه باشد و تمدید آن جز با همه‌پرسی و موافقت عمومی امکان پذیر نمی‌باشد.» مقیدات وارد بر وضعیت اضطراری در مصر از این جهت که آنرا با محدودیت زمانی و تصویب مجلس نمایندگان مواجه و در صورت تمدید مستلزم همه‌پرسی می‌کند یک تغییر جدی در نظام حقوقی مصر است ولی مفاد این ماده نه واکنش مناسبی به سال‌ها حاکمیت وضعیت اضطراری است و نه بر اساس اصول حقوقی می‌توان وضعیت اضطراری را بیش از چند روز ادامه داد. وضعیت اضطراری ۶ ماهه آن

هم با اختیاری که برای رئیس جمهور جهت انحلال مجلس در نظر گرفته شده^(۴۱) و با نفوذی که رئیس جمهور در مجلس شورا از آن برخوردار است^(۴۲) می‌تواند تاریخ گذشته مصر را دوباره زنده کند.

۴- کرامت انسانی و حقوق بنیادین

کرامت انسانی مبنایی‌ترین قاعده‌ای است که حقوق انسانی مبتنی بر آن قابل تحلیل هستند و پذیرش عملی آن منتج به غیرقابل سلب نمودن بخش عمده از حقوق و آزادی‌های شهروندی می‌گردد. فقدان پذیرش این حق باعث شده بود که در دوران قبل از انقلاب و بطور خاص در وضعیت اضطراری هیچ احترامی برای شخصیت و تمامیت انسانی مردم مصر باقی نماند. همین عامل موجب واکنش جدی مردم در جریان انقلاب مصر به هیأت حاکمه شد و اولین ماده از فصل اول (حقوق شخصی)^(۴۳) از باب دوم (حقوق و آزادی‌ها)^(۴۴) را به خود اختصاص داد. بر اساس ماده (۳۱) «کرامت و عزت حق هر انسانی است و جامعه و دولت تضمین‌کننده احترام به آن و حمایت از آن است و در هیچ شرایطی مجاز به اهانت بشری نیستیم.» حقوق شخصی که همان حقوق بنیادین و غیر قابل سلب هستند به تصریح در ماده (۳۴) غیر قابل انحراف و مصون شمرده شده‌اند: «آزادی شخصی و خصوصی حق طبیعی است و این آزادی مصون و محافظت شده است.» مجموع این حقوق شامل حق بر امنیت،^(۴۵) تردد،^(۴۶) حریم خصوصی^(۴۷) و مصون بودن از بازداشت غیر قانونی،^(۴۸) ممنوعیت شکنجه^(۴۹) و اهانت به تمامیت جسمانی است.

۵- حق غیر قابل سلب تابعیت

تابعیت از حقوق بنیادین افراد ملت و پایه حقوق و آزادی‌های شهروندی محسوب می‌گردد که لازم است قوانین اساسی در خصوص غیر قابل انحراف بودن آن تصریح نمایند. چنانکه در اصل چهل و یکم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌خوانیم: «تابعیت کشور ایران حق مسلم هر فرد ایرانی است و دولت نمی‌تواند از هیچ ایرانی سلب تابعیت کند، مگر به درخواست خود او یا در صورتی که به تابعیت کشور دیگری درآید.» اهمیت این حق جایی قابل توجه و تأمل است که دولت‌های دیکتاتوری مخصوصاً در وضعیت اضطراری به عنوان مجازات از اتباع خود سلب تابعیت می‌کنند. مجازاتی که در دوره حسنی مبارک و همانند سایر دیکتاتورهای عربی به عنوان یک مجازات عادی مورد

حکم قرار می‌گرفت. آنچه عملاً باید در قانون اساسی ۲۰۱۲ مصر به نحو مصرحی بیان می‌شد پذیرش این حق غیر قابل سلب بود. با این وجود ماده (۳۲) قانون اساسی مصر اشعار می‌دارد: «تابعیت مصری یک حق است و قانون آن را مشخص می‌کند.» این بیان بسیار نگران‌کننده است چرا که صرف اینکه تابعیت یک حق شناخته شود کفایت نمی‌کند بلکه باید حق مزبور یک حق غیر قابل سلب محسوب شود. ارجاع کیفیت این حق به قانون عادی نگرانی‌ای است که بعد از قانون اساسی جدید شهروندان مصری را تهدید می‌کند.

۶- آزادی بیان و رسانه

آزادی بیان اکسیژن شهروندی لقب گرفته است. (Sadurski, 2001: 1) از این جهت که تحقق و ارتقاء حقوق و آزادی‌های شهروندی در ارتباط وثیق با آزادی عقیده و بیان رقم می‌خورد به رسمیت پذیرفتن این حق در هر کشوری از نشانگرهای مردم‌سالار بودن آن است. با این وجود مصر از دوره جمال عبدالناصر با اعلام وضعیت اضطراری شاهد تعطیلی این حق شد. بطور عمده این حق که با حق «دسترسی آزاد به اطلاعات» پیوند خورده است. در واقع «نخستین گام برای برقراری ارتباط میان دولت و شهروندان، آگاهی مردم از روند جریان امور و آگاهی از واقعیت‌ها است؛ یعنی همان چیزی که امروزه از آن به عنوان حق دانستن یاد می‌کنند؛ «دانستن حق مردم است» (اسماعیلی، ۱۳۹۱، ج ۱: ۱۸۳) این حق مبنا و مقدمه واجب حق تعیین سرنوشت ملت محسوب می‌گردد. (اسماعیلی، ۱۳۹۱، ج ۲: ۱۵) از دوره حاکمیت ناصر تا انقلاب مردم مصر، حق دسترسی آزاد به اطلاعات و حق آزادی رسانه‌ها با اعلامیه وضعیت اضطراری موقوف شد. بر این اساس و برای تضمین این حق شهروندی، ماده (۴۸) قانون اساسی ۲۰۱۲ مصر به این حق اشاره و مقرر می‌کند: «آزادی اندیشه و بیان تضمین شده است. هر انسان اجازه بیان دیدگاه‌های خود به صورت زبانی و نوشتاری و دیداری یا تصویری را دارد.» و برای آنکه این حق عینیت یابد از حق نیز به عنوان یک حق بنیادین مبنایی صیانت می‌کند و در ماده (۴۷) اشعار می‌دارد: «دستیابی به اطلاعات و داده‌ها و آمارها و بیان و ارائه آنها اقدامی تضمین شده توسط دولت برای همه شهروندان خویش است، به شرط آنکه این اقدام حرمت زندگی خصوصی افراد را حفظ کرده و با امنیت ملی در تعارض نباشد.» تبلور واقعی این حقوق در حق بیان توسط

رسانه‌ها ظهور پیدا می‌کند. مطابق ماده (۴۸) «آزادی مطبوعات و چاپ و نشر و دیگر اشکال اطلاع رسانی تضمین شده است»^(۵۰) و این رسانه‌ها می‌توانند رسالت خود را با آزادی و استقلال کامل در خدمت به جامعه ادا کند، مشروط بر آنکه حرمت زندگی خصوصی افراد و امنیت ملی کشور در معرض خطر قرار نگیرد. نظارت بر رسانه‌ها ممنوع است، جز در زمان‌های خاص مانند جنگ یا وضعیت‌های اضطراری. مفاد ماده (۴۸) از این نظر که آزادی رسانه‌ها را پذیرفته قابل تمجید است ولی قید مطلق نظارت با استناد به وضعیت اضطراری نگرانی پیش گفته را مجدداً احیاء می‌کند.

۷- آزادی احزاب و اجتماعات

از مسائل عمده تاریخ سیاسی کشور مصر مخصوصاً بعد از فعالیت‌های سید جمال‌الدین اسدآبادی و حسن‌البناء فعالیت احزاب و تشکیلات اجتماعی در مصر است که هم آنرا از سایر کشورهای عربی متمایز و هم منشأ گروه‌های سیاسی - اجتماعی اسلامی در آنها شده است. بطور خاص مورد «اخوان المسلمین» به عنوان یک گروه سیاسی دینی در مصر که هیچ‌گاه با دولت‌های استبدادی کنار نیامده است و مصالح عمومی جهان اسلام و مردم خود را با برداشتی دینی دنبال می‌کند از همه بیشتر قابل بحث و تحلیل است. این گروه سیاسی چه قبل از به قدرت رسیدن دولت سرکوب‌گر و ملی‌گرای ناصر و چه پس از آن تا انقلاب مردم همواره با خشونت و تبعید و شکنجه روبرو بوده است و به دلیل مقاومتی که در مقابل اقدامات خودسرانه سران عرب و بطور خاص رؤسای جمهور مصر به عمل آورد از محبوبیت دوچندانی برخوردار گشت و امروزه قدرت را در مصر همین گروه بواسطه انتخاب عمومی ملت بدست آورده است. به همین دلیل و در واکنش به رفتارهای سرکوبگرانه رژیم‌های دیکتاتوری سابق از مهمترین مفاد قانون اساسی جدید مصر آزادی احزاب و داشتن شخصیت حقوقی این تشکیلات سیاسی است. ماده (۵۱) قانون اساسی جدید مصر مقرر می‌دارد: «شهروندان اجازه تأسیس جمعیت‌ها و مؤسسات مردمی و احزاب و فعالیت‌های حزبی را دارند و این مؤسسات دارای شخصیت حقوقی هستند. جز با حکم قضایی امکان انحلال این مؤسسات و جمعیت‌ها وجود ندارد.»

از سوی دیگر سایر تجمعات و تشکیلات چه برای اداره امور اقتصادی و اجتماعی شهروندان و چه برای سامان دادن به اعتراضات اقتصادی و اجتماعی به رسمیت شناخته شدند. چنانکه مواد (۵۲)^(۵۱) و (۵۳)^(۵۲) قانون به این حقوق اشاره و مهتمتر آنکه ذیل ماده (۶۳) بیان می‌دارد: «اعتصاب و تحصن مسالمت‌آمیز حق کارگران و کارمندان است.»

۸- حقوق اقتصادی

از مهمترین حوزه‌هایی که در طول مدت حاکمیت دیکتاتورها، کاملاً انحصاری یک گروه خاص نزدیک به دایره قدرت می‌شود حوزه اقتصاد کلان و خارجی است. در تمامی رژیم‌های دیکتاتوری عربی، حوزه اقتصاد بدون مشارکت شهروندان اداره شده و از نظم دسترسی بسته و نظام رانت‌ها بهره می‌برد. نتیجه چنین اقتصاد بسته، رانتی و فاسد، فقر شایع و از بین رفتن توان اقتصادی کشور است. بطور خاص رژیم مبارک چالش دیگری را نیز به این دو چالش اضافه کرده بود و آن نقض عمده قاعده «نفی سبیل»^(۵۳) و «عدم اعانه علی اثم العدوان»^(۵۴) در دیدگاه مردم مسلمان مصر بود که با انعقاد قراردادهای کلان مخصوصاً در حوزه انرژی و گاز با رژیم صهیونیستی - عامل نقض حقوق فلسطین و مهمترین دشمن منطقه‌ای اعراب - بود.

مجموع عملکرد اقتصادی رژیم مبارک در حوزه اقتصادی چیزی جز عقیم کردن حقوق اقتصادی شهروندان نمی‌تواند ارزیابی گردد. با این وجود شاهد اصول مصرحی در فصل قانون اساسی مصر تحت عنوان «حقوق اقتصادی و اجتماعی» نیستیم. البته از کلیت حق برابری شهروندان و نفی تبعیض^(۵۵) می‌توان حکم به نفی نظام بسته اقتصادی و رانت‌ها داد ولی اساساً به مفاد مصرح‌تری از این بیان نیازمند است. گرچه دلالت التزامی مواد (۷۲)^(۵۶) و (۷۳)^(۵۷) قانون اساسی مصر می‌تواند تا حدودی حداقل‌های حوزه کاستی‌های حقوق شهروندی اقتصادی را جبران نماید. و ایجاد نهاد «کمیسیاریای ملی مبارزه با فساد» بر اساس ماده (۲۰۴) می‌تواند تضمین‌کننده مقابله با رفتارهای رانتی و فاسد باشد: «کمیسیاریای ملی مبارزه با فساد کار مبارزه با فساد، رفع تضاد منافع، ارائه معیارهای شفاف‌سازی و تدوین راهبرد ملی مربوط به آن و ضمانت‌های اجرای آن با هماهنگی سازمان‌های مستقل دیگر و نیز نظارت بر دستگاه‌های مربوطه که قانون تعیین می‌کند، بر عهده دارد.»

نتیجه‌گیری

بدون تردید از مبانی و علل انقلاب مصر، مسئله حقوق و آزادی شهروندی بود. چرا که گوهر وجودی انسان و کرامت وی با الغاء حقوق مذکور به نحو جدی صدمه می‌بیند. متأسفانه تاریخ معاصر مصر مملوء از این آسیب‌ها به ملت مصر است. آسیب‌هایی که به بهانه «نظم عمومی» و در قالب سازوکار وضعیت اضطراری بیش از چهل سال به ملت مصر وارد و آنها را از حقوق بنیادین‌شان محروم ساخت. این تضییع حقوق از بدیهی‌ترین حق یعنی حق تابعیت تا تمامیت جسمی نقض و تا حقوق سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشانده شد. به علاوه آنکه رژیم‌های دیکتاتوری اخیر مصر مخصوصاً رژیم حسنی مبارک با ایجاد یک نظم دسترسی محدود موجبات تحقق رانت‌های سیاسی - اقتصادی را بوجود آورده بودند و با اینکه کشور مصر از کشورهای بزرگ و ثروتمند عربی محسوب می‌شد ملت مصر تحقیر و فقیر شده بودند. به همین دلیل با انقلاب مصر و تدوین قانون اساسی جدید مصر، یک واکنش جدی به تاریخ سیاسی مصر در مفاد و مندرجات این قانون اساسی قابل مشاهده است. به نحوی که علاوه بر تصریح کل این قانون اساسی بر اصل حاکمیت قانون، پنجاه ماده در باب دوم این قانون اساسی از ماده (۳۱) تا (۸۱) به «حقوق و آزادی‌ها» پرداخته است. با این وجود قانونگذار قانون اساسی مصر نتوانسته تضمینات دقیقی را با توجه به سابقه جدی نقض حقوق بنیادین در مصر وضع نماید. این ابهامات اساسی با توجه به پذیرش شکل ریاستی دولت در مصر و وجود گروه‌های وابسته به رژیم مصر می‌تواند در آینده حقوق و آزادی‌های شهروندی این کشور از چالش‌های عمده باشد.

یادداشت‌ها

- ۱- گرچه از این تاریخ به بعد نیز با اعلام استقلال مصر همچنان تا برقراری جمهوری در ۱۹۵۲، انگلیس به واسطه نفوذ بر ملک فاروق بر منابع مصر سلطه داشت.
- 2- http://www.sis.gov.eg/ar/LastPage.aspx?Category_ID=2128.
- ۳- حركة الضباط الاحرار.
- ۴- إعلان دستوری باسم الشعب المصری.
- 5- <http://www.egypt.com/egyptana/constitution.asp>.
- ۶- سیدقطب، یکی از اعضای اخوان، که به اتهام تلاش برای ترور ناصر در ۱۳۳۳ ش/ ۱۹۵۴ زندانی شده بود، به رغم بیماری شدید، کتاب معالم فی الطریق (نشانه‌هایی بر راه) را در زندان تألیف کرد، که بعدها به صورت اساسنامه اخوان المسلمین در آمد. هدف او از تألیف این کتاب، آگاه ساختن جامعه از وضع حکومت ناصر در مصر بود. از نظر او حکومت ناصر نوعی حکومت جاهلی یا متعلق به دوران جاهلیت پیش از اسلام بود و با این توصیف، این حکومت را از قلمرو اسلام خارج می‌دانست.
- 7- <http://www.hanyshehata.com/Laws>
- ۸- سطحی که قانون را همچنان که مقتدارانه اجراء می‌شود به عدالت و احترام به کرامت انسانی و اصول مردم‌سالاری فرا می‌خواند.
- ۹- ماده (۱۳۲) قانون اساسی جدید مصر مقرر می‌کند: «رئیس جمهوری مصر رئیس کشور و رئیس قوه مجریه است و از منافع مردم و استقلال کشور و سلامت ارضی کشور محافظت کرده بر مرز بین قوای سه‌گانه نظارت دارد تا در امور آنها دخالت پیش نیاید.»
- ۱۰- ماده (۱۳۶) قانون اساسی جدید مصر مقرر می‌دارد: «انتخاب رئیس جمهوری باید به صورت دادن رأی مخفی و مستقیم باشد و رئیس جمهوری با کسب حداکثر آرای درست به این سمت انتخاب می‌شود.»
- ۱۱- ماده (۲) قانون اساسی ۲۰۱۲ مصر مقرر می‌کند: اسلام دین و آئین حاکم بر کشور و عربی زبان رسمی و اصول و مبادی شریعت اسلامی منبع اصلی قانونگذاری در آن است.
- ۱۲- دانشگاه الازهر (جامعه الازهر الشریف) که در بین سال‌های ۹۷۰ تا ۹۷۲ به عنوان یک مدرسه در شهر قاهره مصر پایه‌گذاری شد، مرکز اصلی ادبیات عربی و علوم اسلامی اهل سنت در جهان است. این دانشگاه با قدمتی بیش از هزار سال، به عنوان اولین مؤسسه دینی، علمی و اسلامی در دوران فاطمیان در قاهره ساخته شد، تا مسجد و مدرسه‌ای باشد که مبلغین فاطمیان را تربیت می‌نماید و مذهب اسماعیلی شیعه که مذهب فاطمیون مصر بود، را ترویج می‌کند.
- ۱۳- ماده (۱۷۵) قانون اساسی ۲۰۱۲ مصر مقرر می‌دارد: «این دادگاه یک دستگاه قضایی مستقل

است، مقر آن در قاهره قرار دارد و تنها مرجعی است که به بررسی مطابقت قوانین و لوایح با قانون اساسی می‌پردازد. قانون تخصص‌های دیگری برای آن تعیین کرده است.»
۱۴- ماده (۱۷۹) قانون اساسی ۲۰۱۲ مقرر می‌دارد: «نهاد قضایی دولت یک نهاد مستقل است و در امور اختلافی نماینده قانونی دولت است و کنترل فنی ادارات امور حقوقی در دستگاه‌های اداری دولت را بر عهده دارد. وظیفه این نهاد تهیه قراردادها و حل و فصل منازعاتی است که دولت در آن یک طرف منازعه است و این اقدامات بر اساس قانون صورت می‌گیرد. قانون شرح وظایف این نهاد را تعیین می‌کند و اعضای آن از مصونیت، ضمانت، حقوق و وظایف مقرر شده برای اعضای قوه قضایی برخوردار هستند.»

15- Etat d'exception/ حالة الطوارئ .

16- Ausnahmezustand.

17- Carl Schmitt.

18- Third Reich.

19- civil war.

۲۰- بعد از حملات ۱۱ سپتامبر، در ۱۴ سپتامبر ۲۰۰۱ به موجب اعلامیه ۷۴۶۳ رئیس جمهور بوش در مورد حملات ۱۱ سپتامبر (Declaration of Emergency regarding September 11 attacks) به موجب بخش ۲۰۲ (d) از قانون اضطراری ملی (Section 202 (d) of the National Emergencies Act (50 U. S. C. 1622 (d)) وضعیت اضطراری در آمریکا تا زمانی که خطر تروریستی وجود داشته باشد برقرار شد:

<http://georgewbush-whitehouse.archives.gov/news/releases/2007/09/20070912-2.html>.

این وضعیت نیز بعد بوش توسط رئیس جمهور باراک اوباما در ۱۰ سپتامبر ۲۰۰۹، سپس در ۱۰ سپتامبر ۲۰۱۰، ۹ سپتامبر ۲۰۱۱ و ۱۱ سپتامبر ۲۰۱۱ تمدید شد.

(Message Continuation of the National Emergency with Respect to Certain Terrorist Attacks". Whitehouse. gov. 2012-09-11. Retrieved 2012-09-25).

21- non-derogable.

۲۲- برای مثال در ایران اصل هفتاد و نهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در واکنش به عملکردهای دولت رژیم پهلوی تحت حاکمیت قانون اساسی مشروطه مقرر می‌کند: «برقراری حکومت نظامی ممنوع است. در حالت جنگ و شرایط اضطراری نظیر آن، دولت حق دارد با تصویب مجلس شورای اسلامی موقتاً محدودیت‌های ضروری را برقرار نماید، ولی مدت آن به هر حال نمی‌تواند بیش از سی روز باشد و در صورتی که ضرورت همچنان باقی باشد دولت موظف است مجدداً از مجلس کسب مجوز کند.»

23- Légalité de crise.

24- Tunisie: Quand Ben Ali rompt la glace". Nawaat. org. 2010-02-07.

25- instauration de l'état d'urgence.

26-<http://www.hrw.org/world-report-2012/world-report-2012-algeria> & http://www.ecoi.net/file_upload/1504_1217249660_decret-presidentiel-no-92-320-du-11-aout-1992-portant-sur-l-instauration-de-l-etat-d-urgence.pdf

27 -<http://www.unhcr.org>

28-activités mettent en danger l'ordre public, la sécurité publique, le fonctionnement normal des institutions ou les intérêts supérieurs du pays.

29- The Decrees on Ending State of Emergency, Abolishing SSSC, Regulating Right to Peaceful Demonstration, SANA, 22 April 2011 in Egypt". International Federation for Human Rights. Retrieved 2 February 2011 <http://sana.sy/eng/21/2011/04/22/pr-342711.htm>.

۳۰- رژیم صهیونیستی از ۱۹۴۸ یعنی کمتر از یک سال از تأسیس، همزمان با جنگ اعراب - اسرائیل، برابر قانون مصوب پارلمان (کنیسه) حکومت نظامی (Martial Law) اداره و این وضعیت هر ساله توسط پارلمان تمدید می شود.

(Assaf Sagiv, "The State of Freedom and the State of Emergency", Azure (Spring 2007) <http://azure.org.il/article.php?id=444&page=all>)

31- Friends of Syria.

32- <http://www.cnn.com/id/100690211>.

33- Emergency Law.

34- The Emergency Law in Egypt". International Federation for Human Rights. Retrieved 2 February 2011: <http://www.fidh.org/THE-EMERGENCY-LAW-IN-EGYPT>.

۳۵- اصل نهم قانون اساسی مقرر می دارد: «در جمهوری اسلامی ایران آزادی و استقلال و وحدت و تمامیت ارضی کشور از یکدیگر تفکیک ناپذیرند و حفظ آنها وظیفه دولت و آحاد ملت است. هیچ فرد یا گروه یا مقامی حق ندارد به نام استفاده از آزادی، به استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی و تمامیت ارضی ایران کمترین خدشه ای وارد کند و هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور آزادی های مشروع را هر چند با وضع قوانین و مقررات، سلب کند.»

36- <http://online.wsj.com>

37- <http://weekly.ahram.org.eg/2005/759/eg8.htm>.

۳۸- قانون الإرهاب.

۳۹- ماده (۱۰): «خانواده پایه و اساس جامعه و قوام و استواری دین و اخلاق و ملی گرای است. دولت و ملت متعهد به حفظ هویت و ماهیت اصیل خانواده مصری و استقرار و ثبات آن و تحکیم و تثبیت ارزش های اخلاقی و حمایت از آن براساس آنچه در قانون آمده، می باشد. همچنین دولت موظف به ارائه خدمات لازم و رایگان به مادران و کودکان و ایجاد هماهنگی بین ادای وظایف خانوادگی و شغلی زنان است. دولت موظف به ارائه خدمات ویژه به زنان سرپرست خانوار و مطلقه و بیوه است.»

۴۰- ماده (۱۱) مقرر می‌کند: «دولت اخلاق، آداب و رسوم، نظام عمومی، تربیتی، ارزش‌های ملی، دینی و حقایق علمی و فرهنگ عربی و میراث تاریخی و تمدنی مردم را براساس آنچه در قانون ذکر آن رفته، مورد حمایت قرار می‌دهد.»

۴۱- ماده (۱۲۷) قانون اساسی ۲۰۱۲ مقرر می‌دارد: «رئیس جمهوری نمی‌تواند، مجلس نمایندگان را جز به دلیل خاص و گذاشتن آن به همه پرسی عمومی منحل کند. نمی‌توان مجلس نمایندگان را در سال اول تشکیل آن به همان دلیل انحلال مجلس سابق، منحل کرد. برای انحلال مجلس نمایندگان رئیس جمهوری دستور توقف نشست‌های مجلس و برگزاری همه‌پرسی ظرف حداکثر ۲۰ روز را صادر می‌کند و نتیجه همه پرسی انحلال یا ادامه کار مجلس را مشخص می‌کند. در صورت انحلال مجلس انتخابات جدید باید حداکثر ظرف ۳۰ روز از تاریخ صدور این تصمیم برگزار شود و مجلس جدید ظرف ۱۰ روز بعد تشکیل جلسه می‌دهد تا نتیجه نهایی را دریافت کند. در صورتی که انحلال مجلس مورد موافقت قرار نگرفت، رئیس جمهوری باید از سمت خود استعفا دهد. در صورتی که همه پرسی یا انتخابات جدید برگزار نشود، مجلس قبلی بر سر کار خود باز خواهد گشت.»

۴۲- ماده (۱۲۸) اشعار می‌دارد: «مجلس شورا متشکل از دست‌کم ۱۵۰ نماینده است که به صورت محرمانه و مستقیم انتخاب می‌شوند و رئیس جمهوری یک دهم نمایندگان این مجلس را انتخاب می‌کند.»

۴۳- الفصل الأول: الحقوق الشخصية.

۴۴- الباب الثاني: الحقوق والحريات.

۴۵- ماده (۴۰) مقرر می‌دارد: «داشتن زندگی امن حقی است که دولت آن را برای تمام افراد مقیم در اراضی اش تضمین و قانون فرد را از هر پدیده جنایت‌بار حمایت می‌کند.»

۴۶- ماده (۴۲) بیان می‌کند: «آزادی نقل و انتقال افراد و مهاجرت آنها تضمین شده است و نمی‌توان هیچ‌کس را از کشورش تبعید یا از بازگشت به آن منع کرد، مگر اینکه در این ارتباط حکم قضایی وجود داشته باشد.»

۴۷- ماده (۳۸) اشعار می‌دارد: «زندگی شخصی افراد حریم خصوصی آنهاست و محفوظ بودن این حریم تضمین شده است و نمی‌توان نامه‌ها، تلگراف‌ها، میل‌ها و تلفن‌های شخصی افراد را مورد بازرسی قرار داد، مگر به دلایل خاص و حکم قضایی.» همچنین ماده (۳۹) که مقرر داشته است: «خانه حریم شخصی بوده و امکان ورود به آنها نیست، جز در موارد بروز خطر و نیاز به کمک و امکان ورود به آنها و بازرسی از آنها جز با دستور قضایی وجود ندارد.»

۴۸- ماده (۳۵) قانون اساسی ۲۰۱۲ مقرر می‌دارد: «جز در موارد مشکوک نمی‌توان کسی را بازداشت یا بازرسی یا زندان یا از نقل و انتقال ممنوع و آزادی وی را محدود کرد، مگر در این زمینه دستور قضایی صادر شده باشد. کسانی که آزادی‌های آنها لغو یا محدود می‌شود، باید ظرف ۱۲ ساعت از دلیل این امر آگاه و ظرف ۲۴ ساعت از زمان لغو یا محدودیت به دستگاه قضایی

معرفی و تحقیقات لازم از آنها با حضور وکلایشان صورت گیرد و در صورت نداشتن وکیل برای آنها وکیل تسخیری معین خواهد شد. همه افرادی که آزادی آنها لغو یا محدود شده باشد، حق ارائه دادخواست به دستگاه قضایی ظرف یک هفته از زمان اعلام را حکم دارند. قانون احکام حبس احتیاطی و مدت و دلایل آن را مشخص می‌کند.»

۴۹- ماده (۳۶) قانون اساسی ۲۰۱۲ اشعار می‌دارد: «تمام کسانی که دستگیر یا زندانی یا آزادی‌هایشان محدود می‌شود، می‌بایست براساس کرامت انسانی‌شان با آنها برخورد شده و نمی‌بایست مورد شکنجه و آزار و اذیت بدنی و روحی قرار گیرند و بازداشت و زندانی کردن این افراد باید با حکم قضایی صورت گیرد.» همچنین ماده (۴۱) قانون اساسی ۲۰۱۲ مقرر می‌دارد: «پیکر و بدن انسان دارای حرمت است و تجارت با اعضای آن ممنوع است، همانگونه نمی‌توان روی بدن انسان آزمایشات پزشکی یا علمی بدون موافقت فرد انجام داد.»

۵۰- مفاد ماده (۴۹) قانون اساسی ۲۰۱۲ نیز چنین حکمی را دارد: «آزادی چاپ و نشر مطبوعات در انواع و اشکال مختلف آن تضمین شده است و قانون نحوه تأسیس شبکه‌های تلویزیونی و رادیویی را مشخص می‌کند.»

۵۱- ماده (۵۲) مقرر می‌دارد: «آزادی تأسیس سندیکاها، اتحادیه‌ها و تعاونی‌ها تضمین شده است و این مؤسسات دارای شخصیت حقوقی هستند و فعالیت‌های آنها براساس اصول و مبادی دموکراتیک استوار و فعالیت‌های خود را آزادانه و در خدمت به جامعه انجام می‌دهد. جز با حکم قضایی امکان انحلال این مؤسسات و جمعیت‌ها وجود ندارد.»

۵۲- ماده (۵۳) مقرر می‌دارد: «قانون نحوه فعالیت سندیکاها و اتحادیه‌های کارگری و اداره آنها بر پایه اصول و مبادی دموکراتیک را مشخص می‌کند. جز با حکم قضایی امکان انحلال این سندیکاها و اتحادیه‌ها وجود ندارد.»

۵۳- آیه (۱۴۱) سوره نساء می‌فرماید: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلاً.»

۵۴- آیه (۲) سوره مائده می‌فرماید: «...وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانَ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ

الْعِقَابِ.»

۵۵- ماده (۳۳) قانون اساسی ۲۰۱۲ مصر مقرر می‌دارد: «شهروندان در برابر قانون برابر هستند،

همانگونه که در حقوق و وظایف عمومی نیز برابرند و هیچ تبعیضی بین آنها وجود ندارد.»

۵۶- ماده (۷۲) قانون اساسی ۲۰۱۲ مصر اشعار می‌دارد: «دولت حمایت از افراد عقب‌مانده

بهداشتی و اقتصادی و اجتماعی و فراهم کردن فرصت‌های شغلی و بالا بردن فرهنگ اجتماعی آنها را تضمین می‌کند.»

۵۷- ماده (۷۳): قانون اساسی ۲۰۱۲ مصر مقرر می‌دارد: «هرگونه سوء استفاده و بهره‌جویی

از انسان‌ها و تجارت نوع بشر ممنوع است.»

منابع و مأخذ

الف) فارسی و عربی

- اسماعیلی، محسن (۱۳۹۱)، گفتارهایی در حقوق رسانه، تهران: نشر شهر، ج ۱.
- اسماعیلی، محسن و همکاران (۱۳۹۰)، دین و قانون، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- اسماعیلی، محسن و همکاران (۱۳۹۱)، گفتارهایی در حقوق رسانه، تهران: نشر شهر، ج ۲.
- رابح لطفی، جمعة (۱۳۹۱ق)، الشرطه فی دستور جمهورية مصر العربية، الأمن العالم، ذوالقعدة، العدد ۵۶.
- فرحات، محمد نور (۲۰۱۰)، مصر لديها واحد من أكثر قوانين الإرهاب تشدداً في العالم. فما غرض القانون الجديد؟، أنقاذ المصر.
- (<http://www.saveegyptfront.org/news/?c=154&a=13442>)
- مصطفی، أحمد عبدالرحيم (۱۹۷۱) تاريخ الفكر السياسي في مصر الحديثه: ۴- مصر في مفترق الطرق، الكاتب، مارس، العدد ۱۲۰.

ب) لاتین

- Agamben, Giorgio (2005) ,**State of Exception**,University of Chicago Press.
- Human Rights Watch (1993) ,**Prison conditions in Egypt**.
- Petros A. Papadatos, Pierre Achille Papadatos (1964) ,**Le Problème de l'ordre reçu en droit pénal**, paris: Librairie Droz.
- Prémont, Daniel (1996) **Non-derogable Rights and States of Emergency**, Bruxells Bruylant.
- Sadurski, Wojciech (2001) ,**Freedom of Speech and Its Limits**, USA: Springer.

ج) پایگاه‌های اینترنتی

- <http://www.africa.com>
- <http://sana.sy/eng>
- <http://www.cnbc.com>
- <http://www.egypt.com>
- www.ecoi.net
- <http://www.hrw.org>

<http://georgewbush-whitehouse.archives.gov>

<http://www.unhcr.org>

<http://azure.org.il>

<http://www.fidh.org>

<http://weekly.ahram.org.eg>

<http://online.wsj.com>

<http://www.saveegyptfront.org>

<http://www.hanyshehata.com>

<http://www.sis.gov.eg>